

کات

فیلمبردار جورکش



علیرضا زرین‌دست
فیلمبردار

● نمی‌دانم تا حالا یک پیچ را بسته‌اید یا باز کرده‌اید؟ نمی‌دانم کدامش سخت‌تر است؛ بازکردنش یا بستنش؟ نمی‌دانم بعضی‌وقت‌ها، در لحظه ضربه چکش برای کوبیدن میخ، این چکش است که جور میخ را می‌کشد یا میخ، جور چکش را؟! زندگی همین‌طور است، نمی‌دانیم ما جور زندگی را می‌کشیم یا این زندگی است که دارد جور ما را می‌کشد؟ روزی می‌رسد که رفتنی هستیم، نمی‌دانیم با سونامی می‌روسیم یا با سرطان آن؟ عظیم جوانروح، جور یک سریال خیلی خوب را به دوش کشید. فیلمبرداری او در سریال «مختارنامه» را شاید به جرات بتوان یکی از بهترین فیلمبرداری‌های سریال بعد از انقلاب دانست. سال ۵۹ برای اولین‌بار با عظیم جوانروح برخورد داشتیم، چشمان زیبا و مردانه‌اش بعد از آن برخورد همیشه در ذهنم ماند، من جزو آدم‌هایی هستم که به اشخاص، در روزهای مختلف فکر می‌کنم، به کار افراد در زمان‌های مختلف فکر می‌کنم، فضاتوم در مورد «مختارنامه» و فیلمبرداری آن، زمانی‌که عظیم جوانروح در قید حیات بود، تنها می‌تواند با واژه «تحسین‌برانگیز» بیان شود، او در سکانس‌های داخلی بخش‌های مختلف سریال در مکان‌هایی که خود شخصیت «مختار» در قصرش زندگی می‌کرد، از جهت نورپردازی در اییزودهای مختلف سریال، هوشمندانه عمل کرد. این کمی بی‌عدالتی است زمانی‌که از عوامل سریال «مختارنامه» ق‌رداری می‌شد، کمترین توجه به فیلمبردار «مختارنامه» شد، فیلمبرداری که جور اساسی را در این سریال به دوش کشیده بود، حرکت زیادی دوربین با کربن و هد روند کنترل در پلانی که دوربین کاملا عمودی، سواری را می‌دید و شاید خود سوار «مختار» بود با حرکتی زیبا از پشت این سوار، حرکتی زیبا، سیال و سخت بود. دوربین حرکتی منحنی به سمت آسمان انجام می‌داد و سپس روبه‌روی این سوار به سمت زمین فرود می‌آمد. عظیم جوانروح با نام زربایش قطعا با روح بزرگش با سریال «مختارنامه» ماندگار شد.

یاد

سرطان تقدیر مردم نیست



حمید آذرنگ
بازیگر شاهگوش

● عظیم جوانروح نامی داشت که منحصر به شخصیت او بود. واقعا جوانروح بود. با آنکه تفاوت سنی با من داشت اما روح جوانی داشت، همیشه می‌گویم سن تقویمی آدم‌ها دلیل‌بر جوانی و پیربودن آن‌ها نیست، این قاعده را عظیم جوانروح نشان داد که سن تقویمی‌اش با روح جوانش متفاوت بود. اما نکته‌ای که دلم می‌خواهد به آن اشاره کنم این است که بعد از همه اتفاقاتی که دل این مردم را زخم کرده، مرارت‌ها و سختی‌هایی که مردم متحمل شدند از جنگ گرفته تا اتفاقاتی مثل تحریم و تورم که فشارش روی این مردم است، باید باور کنیم سرطان تقدیر این مردم نیست و مثل جنگ تحمیلی، ای کاش مسئولین در مورد این اتفاق پاسخگو باشند. ای کاش احساس مسوولیتی نسبت به جان مردم داشته باشند. ای کاش اسم این اتفاق‌ها تقدیر و مقدرات برای مردم نباشد و با رسیدگی به این اتفاق کمی از بار غم مردم را کم کنیم.

زیر آسمان فیروزهای

تکذیب کنسرت سامی یوسف در ایران



از برپایی کنسرت خود در ایران خبر داده بود. این خبرگزاری به نقل از این خواننده آورده بود: «به‌همراه گروه موسیقی‌ام، ۱۰بهمن به ایران خواهم آمد و ۱۲ بهمن نخستین کنسرت‌م را در تهران اجرا می‌کنم.» براساس پیگیری‌های «شرق»، این خبر از سوی شرکت اندانته رکوردز که مدیریت و انتشار آثار سامی یوسف را در ایران و جهان در اختیار دارد تکذیب شد. در این تکذیب که از سوی مهدی جهانگیر منتشر شده، آمده: «خبر کاملا غیرواقعی است. درحال‌حاضر هیچ‌گونه توافقی با سامی یوسف برای برگزاری کنسرت در ایران صورت نگرفته است. هرگونه اخبار رسمی و جدید در مورد برنامه‌ها و کنسرت‌های سامی یوسف تنها از طریق سایت رسمی وی منتشر می‌شود.»

شرق: پاییز برگ‌ریز۹۳ که با سرطان و سکتته گره خورده، دونفر دیگر از اهالی هنر را با خود برد. علیرضا خورشیدفر از خانواده موسیقی و عظیم جوانروح از اهالی سینما، یکی را سکتته و دیگری را سرطان که مدتی است به جان اهالی فرهنگ‌وهنر افتاده و قرار نیست پنجاهش را پس بکشد. هنوز جای محمدرضا لطفی که سرطان به‌جانش افتاد نپرنشده، خیلی‌ها داغدار مجید بهرامی و مرتضی پاشایی هستند که تسلیم سرطان شدند؛ حالا، هم‌زمان اهالی موسیقی و سینما باهم عزادار شده‌اند. این بیماری گویا قرار نیست دست از سر فرهنگ‌وهنر بردارد.

فیلمبردار نخبه مختارنامه

روزهای اول هفته بود که محمود فلاح، تهیه‌کننده مختارنامه در گفت‌وگویی از وخیم‌بودن حال عظیم جوانروح خبر داده و به سرطان روده پیشرفته‌ای که به‌یکباره دچارش شده اشاره کرده بود؛ بیماری‌ای که بعد از عمل باز قلب متوجه آن شده بودند و به‌دلیل عوارض بعد از عمل او را دوباره به بستر بیماری انداخت تا شامگاه روز چهارم آثر که پیامک آمد، جوانروح هم رفت؛ فیلمبرداری که از دریچه وی‌ژورزش فیلم‌ها و سریال‌های مهمی چون آتش بدون‌دود، قصه‌های مجید، معصومیت از دست‌رفته و البته مختارنامه را به ما هدیه داد. آخرین کار تصویربرداری او هم «شاهگوش» در کنار داوود میرباقری بود. جوانروح در حالی بر اثر این بیماری درگذشت که به‌دلیل اقامت خانواده‌اش در کانادا، در تهران تنها زندگی می‌کرد و با آنکه شیمی‌درمانی را بلافاصله آغاز کردند به‌دلیل آب‌آوردن ریه‌اش نتوانست تحمل کند. فلاح به مهر گفته برای مساعدت مالی سازمان صداوسیما نامه‌ای به تقدس‌زاد، معاون مالی و اداری نوشته است؛ مساعدتی که البته به درمان این فیلمبردار پیشکسوت و بازنشسته صداوسیما افاقه نکرد. جوانروح در کنار تمام فعالیت‌های بزرگش، ۱۲۰بهمن۵۷ یک‌ی از فیلمبرداری‌نیست بود که فاصله فرودگاه مهرآباد تا بهشت‌زهر(س) را همراه با امام‌خمینی (ره) ثبت کرد. او فیلمبرداری بود که فقط می‌توان از کارهایش او را شناخت. هیچ‌گاه گفت‌وگویی نکرد و در سکوت پشت دریچه دوربینش باقی ماند. جوانروح متولد۱۳۲۴ در اردبیل بود. کارش را با آتش بدون دود و تلویزیون آغاز کرد و هفت‌سال از زندگی‌ش را کنار میرباقری با مختارنامه



علیرضا زرین‌دست

سپری کرد و با وجود بیماری، شاهکاری از رنگ و نور به وجود آورد که در تاریخ تلویزیون تا آن زمان بی‌نظیر بود. ایده‌های او در فیلمبرداری و استفاده از فیلترهای خاص، شاخصه مهم سریال مختارنامه در کنار داستان و کارگردانی و البته بازی‌هایش بود. او فیلمبردار سریال‌هایی چون «قصه‌های مجید» و «سرنخ» (به کارگردانی کیومرث پوراحمد)، ملاصدرا (ساخته حسن فتحی) و «مشق عشق» (به کارگردانی بهرام بهرامیان) و فیلم‌هایی چون هفت‌ترانه، یکی بود یکی نبود، قصه‌های کیش، بیقرار، آخرین خون، پرواز از اردوگاه، ترازیت، روز فرشته، صبح روز بعد، آواز تهران، مجنون و در انتظار شیطان بود. قرار است پیکر او ساعت۱۰ صبح جمعه، هفتم آثر از مقابل خانه سینما تشییع شود. تاریخ دقیق مراسم تحريم هنوز مشخص نیست زیرا خانواده مرحوم که ساکن کشور کانادا هستند جمعه وارد ایران می‌شوند و فرزندان وی درخصوص تاریخ و مکان مراسم تصمیم خواهند گرفت.

پدر معنوی نوازندگان کلاسیک

اما هنوز چندساعت از شنیدن خبر درگذشت جوانروح نگذشته بود که پیامکی دیگر آمد: «علیرضا

هنر

خزان هنرمندان با سرطان و سکتته

جوانروح و خورشیدفر هم رفتند



علیرضا زرین‌دست

خورشیدفر بر اثر سکتته قلبی درگذشت. «نوازنده کنترباس که شاید کمترکسی، حتی ابراهیم‌حاتمی‌کیا، می‌دانست سوت مشهور و به‌یادماندنی دوفیلم «از کرخه تا راین» و «بوی پیراهن یوسف» را او زده است؛ سوتی که همه این‌سال‌ها که مجید انتظامی آن را ساخته میلیون‌ها بار پخش شده است. خورشیدفر نوازنده چیره‌دستی بود؛ آنچنان که پیروز ارجمند در وصفش گفت پدر معنوی نوازندگان کلاسیک بود. سال۱۳۵۱ با درجه لیسانس در رشته کنترباس فارغ‌التحصیل شد. طی دوران تحصیل از وجود استادانی چون نعمت‌اله مجید، خااهر و برادران پورتراب، کنستاتین، نیکلا نیکولف، نیکلا پوپوف، بهره برد. در سال۱۳۶۷ از وزارت‌ارشاد مدرک درجه‌یک هنری را دریافت کرد و در کنار آهنگسازانی چون فرهاد فخرالدینی و همایون‌خرم و مجید انتظامی نوازندگی کرد. خورشیدفر از سال۱۳۴۶ با ارکسترهای رادیو، اعم از ارکستر بزرگ، ارکستر گل‌ها، ارکستر بزرگ دانشگاه‌تهران همکاری کرد و از سال۱۳۴۸ وارد ارکستر سمفونیک تهران شد و با این ارکستر به همکاری ادامه داد در سال۱۳۵۱ نیز به‌عنوان معاون گروه کنترباس و از اوایل سال۱۳۵۷ به‌عنوان مایبستر

علیرضا خورشیدفر از خانواده موسیقی و عظیم جوانروح از اهالی سینما، یکی را سکتته و دیگری را سرطان که مدتی است به جان اهالی فرهنگ‌وهنر افتاده و قرار نیست پنجاهش را پس بکشد. هنوز جای محمدرضا لطفی که سرطان به‌جانش افتاد بر نشده، خیلی‌ها داغدار مجید بهرامی و مرتضی پاشایی هستند که تسلیم سرطان شدند

گروه کنترباس ارکستر سمفونیک تهران همکاری کرد. خورشیدفر، پدر امیرحسین خورشیدفر، نویسنده و منتقد مطبوعاتی هم بود. از این‌رو درگذشت او اهالی رسانه را هم در سوگ برد. علی مرادخانی، معاون هنری وزارت ارشاد درپی انتشار این خبر در پیامی نوشت: «شنیدن خبر درگذشت انسانی لایق، متین و هنرمندی چیره‌دست همچون علیرضا خورشیدفر، در این روزهای سخت که اخبار ناگوار درگذشت هنرمندان عزیز به گوش می‌رسد، بسیار تلخ بود. تردیدی در توانمندی او در نوازندگی نیست، اما سعه‌صدر و رفتار متین‌اش باعث شد که به قلب همکاران و دوستانش راه پیدا کند. می‌دانیم که این امر بسیار دشوارتر از هنرمندشدن است. نه‌تنها هنر خورشیدفر هرگز فراموش نخواهد شد، بلکه منش او در دل دوستان و شاگردانش خواهد ماند و از این پس جای خالی‌اش بر صحنه‌ها نیت سکوت خواهد نواخت. خوشا به سعادت خورشیدفر که با تربیت نسلی از نوازندگان، نامش جاودانه شد. برای خانواده محترم خورشیدفر نت سکوت خواهد نواخت. خوشا به سعادت خورشیدفر که با تربیت نسلی از نوازندگان، نامش جاودانه شد. برای خانواده محترم خورشیدفر

پیروز ارجمند، رئیس‌دفتر موسیقی هم که از شاگردانش بوده، در پیامی نوشت: «پاییز امسال، خزان بسیاری از هنرمندان را به خود دید. کمتر از یک‌روز پس از آیین یادمان به‌بر بی‌بدیل کر ارکستر سمفونیک تهران «گورکن موسسیان» از غروب آفتاب عمر «علیرضا خورشیدفر» باخبر شدیم. بی‌تردید، این هنرمند یکی از برجسته‌ترین نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران و از ارزنده‌ترین پیشکسوتان عرصه موسیقی کلاسیک ایران بود. خبر درگذشت استاد «علیرضا خورشیدفر» که به‌حق پدر معنوی نوازندگان کلاسیک دوران ما بود؛ قلب همه ما را آزرده کرد. خورشیدفر نه‌تنها یک‌نوازنده توانا و خوشنام که الگوی واقعی یک‌هنرمند بود که هنر نه‌تنها در سرانگشتان وی بلکه در اخلاق و منش او ریشه داشت. سابقه ربع‌رقن همکاری با این هنرمند شایسته از وی در ذهنم خاطره‌ای از یک‌دوست متعهد ساخت که تبسم همیشگی، نیک‌اخلاقی و نیک اندیشی‌اش وی را در ذهنم جاودانه کرده است.» پیکر این هنرمند موسیقی روز شنبه هفتم‌آذر از مقابل تالار وحدت به‌سمت قطعه هنرمندان بهشت‌زهر(س) تشییع خواهد شد.



جشنواره مواد غذایی محک

۱۳ و ۱۴ آذر ماه ۱۳۹۳ - ۱۰صبح الی ۷ شب

میدان اقدسیه، ابتدای بزرگراه ارتش، بلوار شهید مژدی، بلوار محک، مؤسسه خیریه محک



شماره حساب بانک پارسیان: ۸۱۰۴۴۴۴۹

شماره تماس بازدید از محک: ۲۳۵۰۱۲۱۰



مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org